مجله علمی پژوهش درحقوق، فقه، فلسفه و الهیات (سال چهارم)
شماره ۱۳ / پاییز ۱۳۹۷ / ص ۵- ۱

قرعه انداختن سنتی که اسلام آن را امضا کرد

رسول سعیدی زاده[۱]
[۱] کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، پژوهشگر خبره گروه اخلاق اسلامی، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی

نام نویسنده مسئول:
رسول سعیدی زاده

چکیده

قرعه انداختن یکی از روش های رایج در حل اختلاف ها در جامعه بشری است. این روش، در میان امت های پیشین نیز معمول بوده و امروزه نیز در برخی کشورها از جمله ایران، در صنعت بانکداری، و در برخی از میادین ورزشی، به عنوان روشی برای اهداء جوایز به شرکت کنندگان استفاده می شود.

قرعه انداختن سابقه ای دیرینه دارد. این رسم قدیمی، در گذشته و حال، انواع مختلفی داشته و دارد. دین اسلام برخی از انواع قرعه انداختن را جایز و برخی را حرام می داند. مقاله حاضر در صدد تبیین این قاعده فقهی در شرع مقدس اسلام دارد.

واژگان کلیدی: اسلام؛ قاعده فقهی؛ قرعه انداختن

مقدمه

قرعه در لغت به سهم و نصیب می‌گویند، و در عرف فقهاء و عرف عام چاره اندیشیدن در معین کردن منظور در زمان شبهه و ابهام به وسیله نوشته و مانند آن است.[۱] قرعه به روش های مختلفی انجام می‌شود، از چوبه های تیر، سنگ ریزه، کاغذ، و مانند آن می‌توان برای قرعه انداختن استفاده کرد. در گذشته بیشتر به صورت انداختن چوبه های تیر بود، ولی در زمان حاضر با نوشتن نام ها بر روی کاغذ و در آوردن یکی از آن ها انجام می‌گردد. در اعصار قبل از میلاد، قرعه انداختن به وسیله چوبه های تیر در میان اعراب، یهودیان و همچنین مردم بین النهرین انجام می‌گرفت.

قبل از ظهور پیامبر (ص) قرعه به دو شیوه ازلام و میسر زده می شد. ازلام به این طریق بود که با هفت تیر و یا سه تیر انجام می‌گرفت. از این قرعه برای مشورت با بت و یا خدای مورد پرستش درباره امر یا کاری استفاده می شد؛ مثلا وقتی می‌خواستند به جایی بروند به چوبه ها یا قداح قرعه می‌زدند. اگر تیر امر دهنده خارج می‌شد، فرمان بت به امید سلامت و موفقیت، اجرا می‌شد و اگر تیر نهی کننده بیرون می‌آمد، چون بیم سختی و ناکامی می‌رفت؛ از رفتن به سفر خودداری می‌کردند. میسر به طور کلی با ازلام فرق داشت. میسر گونه ای از قمار به شمار می‌آمد که در روزگار سختی و تنگناها، زده می شد. در این نوع از قرعه، از ده تیر مساوی استفاده می‌شد، که بر هفت تیر خطوطی نقش شده بود و آن‌ها را: الفذ، التوأم، الرقیب، الحلس، النافس، المسبل و المعلی می‌نامیدند. بر سه تیر دیگر هیچ علامتی وجود نداشت و آن‌ها را السفیح و المنیح و الوغد می‌خواندند. بر تمام هفت تیر خط دار، علامت (حز) وجود داشت. به این ترتیب که بر تیر نخستین، یعنی الفذ یک علامت نقش زده شده بود و بر دومی یعنی التوأم دو علامت و به همین ترتیب بر المعلی هفت علامت وجود داشت. هر کدام از این علامت‌ها یا حزها معادل یک بهره یا یک قسمت بود. به آن سه تای دیگر که علامتی نداشتند، بهره ای تعلق نمی‌گرفت و به این علت در میان تیرها قرار می‌گرفتند تا تعداد آن‌ها افزایش یابد و قرعه زننده نتواند حیله ورزد.[۲] نقل است که دیوارهای خانه کعبه نیز با تصویرهایی از قرعه زدن مثل تصویر ابراهیم پیغمبر (ع) که تیرهای فال یا قرعه در دستش بود، تزیین گردیده بود.[۳]

در عصر جاهلیت، هر طائفه ای تیر را به سوی بت خاص خود می انداخت. بعضی از آنها به سوی بت هبل، و بعضی به سمت عشتروت بود. زیرا هر کدام از این بت‌ها به ملتی خاص تعلق داشت که پرستش آن ها میان اعراب نیز معمول شده بود. هبل خدای قوم موآبی و عشتروت خدای فینیقی ها و کنعانی ها بودند.[۴] در کنار کعبه و در برابر بت هبل هفت تیر یا قدح بود که اعراب به هنگام خصومت و منازعه در امری، یا اگر عزم سفر

---

[۱] . **اصطلاحات الاصول**، ص ۲۰۱.

[۲] . **المیسر و القداح**، ص ٤٠، ۸۲- ۸۳.

[۳] . **مروج الذهب**، ج ۱، ص ٦۲۷.

[٤] . **تاریخ تمدن اسلام**، ج ۱، ص ١٦؛ **قمار و فالگیری**، ص ۱۰- ۱۱.

داشتند و یا در موارد دیگر به آن قرعه می‌زدند، و سپس مطابق آن چه آن بت یا خدا اراده می‌نمود، عمل می‌کردند.[۵]

کار قرعه انداختن با هبل در میان قریش امری ریشه دار بود. نقل است عبدالمطلب آن گاه که دشمنی و خصومت قریش را هنگام حفر زمزم دید، نذر کرد چنان که ده پسر داشته باشد، یکی از آن‌ها را در برابر کعبه قربان کند. پس چون شمار پسران او به ده رسید، و می‌دانست که مردم او را از این کار باز می‌دارند، فرزندان خود را فراخواند و نذر خود را آشکار کرد و از آنان خواست تا به آن پیمان وفا کنند، پس آنان فرمان پدر را پذیرفتند و گفتند: چگونه این کار را انجام دهیم؟ گفت: هر کدام از شما باید تیری بردارد و نام خود را بر آن بنویسد. سپس عبدالمطلب تیرها را به نزد بت هبل در کنار کعبه برد و از قرعه زننده خواست تا میان پسرانش قرعه زند. پس تیر عبدالله بیرون آمد. چنان که گفته‌اند عبدالله محبوب‌ترین فرزند پدر بود، با این حال، محبت مانع از آن نشد که عبدالمطلب پیمان وفا نکند. دست او را گرفت و با شمشیر به سمت اساف و نائله رفت. پس قریش آگاه شدند و بر او شوریدند و گفتند: ای عبدالمطلب به چه کاری اراده کرده ای؟ گفت: می‌خواهم فرزندم را قربان کنم. قریش و سایر پسرانش گفتند: قسم به خدا او را قربان نکن که در این صورت هرگز عذری برای آن نخواهی داشت، اگر بتوانیم با اموال خود فدیه او را خواهیم داد؛ ... در نهایت قرار گذاشتند تا از زن کاهنه ای در مدینه نظرخواهی کنند. پس به مدینه رفتند و او را در خیبر یافتند و داستان را برایش حکایت کردند. زن کاهنه به آنان گفت: از پیش من بروید تا اینکه تابع جن به نزدم آید. آنان بازگشتند و چون دیگر بار به کاهنه مراجعت کردند، از آنان پرسید: دیه در نزد شما چه مقدار است؟ گفتند: ده شتر. گفت: به سرزمین خود بازگردید و ده شتر در مقابل این پسر قرار دهید. سپس میان آن شتران و این پسر، قرعه بیفکنید. اگر قرعه به نام پسر افتاد، بر شماره شترها بیفزایید و هم چنان قرعه افکنید تا پروردگارتان راضی گردد و آن گاه که قرعه به شتران افتاد، آن‌ها را قربان کنید. آنان برفتند و به همان ترتیب که کاهن گفته بود، قرعه زدند. نخست قرعه عبدالله بیرون آمد و آنان هر بار بر تعداد شتران می‌افزودند تا به عدد صد که رسید، قرعه به نام شتران افتاد. کسی که در آن نزدیکی بود گفت: عبدالمطلب پروردگارت راضی گشته است و سه بار دیگر قرعه افکندند و هر بار قرعه به نام شتران می‌افتاد. ... و سرانجام صد شتر قربانی شدند و همه کس، از انسان و حیوان، از آن بهره مند گردید.[۶]

روایت است که قبل از بعثت پیامبر (ص) در ساختن خانه خدا بین قریش اختلاف شد. پیغمبر در حالی که جوانی بیش نبود با گفتن اینکه قرعه می‌کشیم و به نام هر کس آمد، همان بسازد؛ رفع نزاع کرد: عن ابی عبداللّه «علیه السلام» قال: ان رسول اللّه «صلی اللّه علیه و آله» ساهم قریشا فی بناء البیت، فصار لرسول «صلی اللّه علیه و آله» من باب الکعبهٔ الی النصف ما بین الرکن الیمانی الی الحجر الاسود».[۷]

---

[۵] . **السیره الحلبیه**، ج ۱، ص ۱۹، **کتاب الاصنام**، ص ۲۸.

[۶] . السیره الحلبیه، ج۱، ص ۵۵؛ **سیرت رسول الله**، ص ۷۱- ۷۳؛ **سنن النبی (ص)**، ج ۱، ص ۹۸- ۱۰۱.

[۷] . **الفروع من الکافی**، ج ٤، ص ۲۱۸، حدیث ۵، (باب ورود تبع و اصحاب الفیل البیت).

قرعه یکی از قواعد مسلم فقهی است که در بسیاری از باب های فقه جریان دارد. هر جایی که موضوعات مشتبه بوده به آن تمسک می‌جویند. به عبارت دیگر قرعه در جایی است که هیچ راهی برای روشن کردن آن در دست نباشد، یعنی حتی احتیاط کردن هم در آن جا ممکن نیست و اگر ممکن باشد، موجب عسر و حرج خواهد بود. مثل اینکه دانسته شود یکی از چند گوسفند حرام گوشت (موطوئه) است، ولی معلوم نباشد که کدام یک از گوسفندان است.

برای اثبات قرعه آیات قرآن کریم، روایات متعدد، اجماع و عقل یعنی سیره عقلاء وجود دارد. در ماجرای حضرت یونس (ع) از قرعه استفاده شد: اذ ابق الی الفلک المشحون؛ فساهم، فکان من المدحضین. (صافات/ ۱۴۰- ۱۴۱) آن گاه که به سوی کشتی پر بار گریخت؛ پس قرعه انداخت و از مغلوبان شد. و همچنین در تعیین سرپرست برای حضرت مریم نیز از قرعه استفاده شد که به نام زکریای پیامبر (ع) در آمد: اذ یلقون اقلامهم ایهم یکفل مریم، و ما کنت لدیهم اذ یختصمون. (آل عمران/ ۴۴) تو نزد آنان نبودی آن گاه که تیرهای قرعه می‌انداختند که کدام شان مریم را سرپرستی کنند، و نیز نزد آنان نبودی آن گاه که (در این باره) مشاجره می‌کردند.

در میان فقهاء اختلافی در اصل مشروعیت قرعه نیست؛ اما در موارد جواز قرعه اختلاف وجود دارد. قرعه اختصاص به منازعات و اختلاف در حق ندارد. چنانچه در ماجرای سرپرستی حضرت مریم (ع) کسی مدعی حقی نبود، بلکه همه در پی کسب افتخار بودند. همچنین در مورد اینکه قرعه از امارات است یا اصول، میان فقهاء اختلاف است. قرعه اماره نیست، چون که کشفی در کار نمی‌باشد. قرعه در احکام نیست و اختصاص به موضوعات مشکل دارد. زیرا احکام مشکلی ندارد و مجتهد می‌تواند با قواعدی که در دست دارد، هر حکمی را رفع کند. از طرف دیگر قرعه اختصاص به حاکم اسلامی ندارد، زیرا که این اختصاص داشتن با سیره جور در نمی‌آید.[۸]

استخاره نیز یک نوع قرعه است. فرق قرعه با استخاره در این است که در قرعه تفویض امر به خدا نیست، در حالی که در استخاره واگذار کردن امر به خداوند تعالی لازم است.[۹]

نتیجه گیری

قرعه انداختن از جمله سنت های است که قبل از ظهور اسلام وجود داشت و دین اسلام آن را برای حل اختلاف جامعه تایید کرد. قرعه انداختن در جایی است که هیچ راهی برای روشن کردن مساله در دست نباشد. قرعه انداختن قبل از اسلام به دو طریق بود اما امروزه به روش های مختلفی در سراسر جهان و حتی ایران انجام می شود.

در میان فقهای شیعه درباره اصل مشروعیت قرعه انداختن اختلافی نیست ولی در موارد جواز قرعه انداختن اختلاف وجود دارد.

---

[۸] . **قاعده قرعه (درس خارج فقه).**

[۹] . **همان.**

منابع:

اصطلاحات الاصول و معظم ابحاثها، علی اکبر مشکینی (م. ۱۳۸۶ش.)، قم، الهادی، ۱۳۷۴ش.

تاریخ تمدن اسلام، جرجی زیدان (م. ۱۹۱۴م.) ترجمه: علی جواهر کلام، تهران، امیر کبیر، چاپ هفتم، ۱۳۷۲ش.

سنن النبی (ص) و ایامه، ابو عبدالله محمد بن سعد (م. ۲۳۰ ق)، تحقیق: عبدالسلام علوش، المکتب الاسلامی، ۱۴۱۶ق.

السیره الحلبیه= انسان العیون فی سیره الامین المامون، علی بن ابراهیم الحلبی (م. ۱۰۴۴ق.)، بیروت، دارالکتب العلمیه، الطبعه الثانیه، ۱۴۲۷ق.

سیرت رسول الله ترجمه سیرت ابن اسحاق، رفیع الدین اسحاق همدانی (م. ۶۲۳ق.)، ویرایش: جعفر مدرس صادقی، تهران، نشر مرکز، چاپ سوم، ۱۳۸۳ش.

الفروع من الکافی، محمد بن یعقوب الکلینی (م. ۳۲۸ق.) مصحح: علی اکبر الغفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۷۶ش.

قاعده قرعه (درس خارج فقه)، حسین مظاهری، شماره درس ۳۵۷، تاریخ درس ۱۳۷۷/۶/۹ (پایگاه اطلاع رسانی دفتر مرجع عالیقدرحضرت آیت الله العظمی مظاهری مد ظله، http://almazaheri.org/Farsi/Index.aspx، ۱۳۹۶/۰۳/۲۹).

قمار و فالگیری، ۲ عادت جاهلی، هما شهرام بخت، جامجم، ۱۳۹۳/۱۱/۱۸، ص ۱۰- ۱۱.

کتاب الاصنام، هشام بن محمد کلبی (م. ۲۰۴ق.)، المحقق: احمد زکی باشا، القاهره، دار الکتب المصریه، الطبعه الرابعه، ۲۰۰۰م.

مروج الذهب و معادن الجوهر، علی بن حسین مسعودی (م. ۳۴۵ق.) ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ هشتم، ۱۳۸۲ش.

المیسر و القداح، عبدالله بن مسلم ابن قتیبه الدینوری (م. ۲۷۶ق.) مصحح: محب الدین خطیب، المطبعه السلفیه، ۱۳۴۲ق.